

عزیر از دیدگاه قرآن و عهدین

روح الله کلیا*

چکیده

نگارنده در این مقاله کوشیده است با بررسی متون اسلامی (شیعه و سنی) و نیز بررسی کتاب مقدس و منابع غیر اسلامی دیگر و همچنین با نگاهی به نظریات انتقادی که علیه عزیر مطرح شده است، به بررسی شخصیت و اقدامات این انسان مهم و تأثیر گذار یهودی بپردازد و زوایایی از زندگی او را روشن کند.

واژه‌های کلیدی: عزیر، عزرا، قرآن، عهدین، تورات

مقدمه

بی شک در هر جامعه، افراد خاص و بارزی ظهور کرده‌اند که نقش والایی در سرنوشت مردم خویش ایفا نموده‌اند. این افراد که دارای قدرت‌های سرشار جسمی، فکری یا معنوی بوده‌اند، گاه چنان درخشیده‌اند که نامشان تا ابد در تاریخ ماندگار شده است، یکی از این افراد که نقش زیادی در تاریخ قوم یهود داشته است، عزیر می‌باشد که با اراده مصمم خویش تأثیر شگرفی در میان بنی اسرائیل داشته است.

* کارشناسی ارشد علوم قرآن / ایران

نوشتار حاضر سعی دارد تا با استناد به منابع اسلامی و منابع دیگر، به معرفی این شخصیت بپردازد و برخی زوایای زندگی وی را روشن و آشکار نماید.

عزیر در قرآن و منابع اسلامی

نام عزیر فقط یک بار در قرآن به صراحت آمده است. در آیه ۳۰ سوره توبه می‌خوانیم: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عِزَّىٰ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِيُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَالَتْهُمْ اللَّهُ أُمِّي يُؤَفِّكُونَ»: یهودیان گفتند که عزیر پسر خداست و نصاری گفتند که مسیح پسر خداست این حرفی است که تنها از سر زبانشان - مثل گفتار قبلی کافران - صادر شده است (و هیچ مبنای منطقی ندارد) خدا ایشان را هلاک کند که خیلی بیراهه می‌روند. در این آیه که شامل عتاب بسیار شدید به یهود و نصاری است، در حالی نام عزیر را می‌برد که نسبت ابن الهی را که یهودیان به او می‌دادند هم ذکر کرده است. این آیه مستمسک فقهای زیادی در طول تاریخ فقه گردیده است که بتوانند شرک یهود و نصاری را ثابت کنند و فروع فقهی مد نظرشان را نتیجه بگیرند ولی جدای از این بحث‌های فقهی، همینک یهودیان این نسبت را به خود روا نمی‌دارند و می‌گویند که ما قائل به ابن الهی عزیر نیستیم. با نگاهی به منابع تفسیری اسلامی به این نتیجه می‌رسیم که عقیده به ابن الله بودن عزیر (به هر مفهومی که بوده اعم از حقیقت و مجاز) مطلبی خلاف واقع نبوده است بلکه جزو اعتقادات قوم یهود بوده و ایشان در زمان گذشته این عقیده را به خود منتسب می‌کرده‌اند.

نام عزیر در کتب تفسیری و روایی، فراوان آمده است. تفسیر نور الثقلین مناظره جالبی را به نقل از احتجاج طبرسی آورده است که در آن رسول خدا با یهودیان و چهار فرقه دیگر غیر اسلامی، همزمان بحث می‌کند (که شاهد ما فقط مناظره ایشان با یهودیان است)، حضرت رسول به یهودیانی که قائل به ابن الله بودن عزیر بودند، فرمودند که اگر منظور شما شباهت دادن خدا به پدر و مادر معمولی باشد که فرزندی به نام عزیر از او متولد شود که این عقیده کفر است - و مورد قبول یهودیان حاضر مجلس قرار گرفت - و اگر منظور شما از «پسر خدا» بودن عزیر کرامت و ویژگی‌های عزیر باشد که در این صورت موسی علیه السلام شخصیتی مهم‌تر و باکرامت‌تر از عزیر بوده است و هموست که برای این لقب شایستگی بیشتری دارد پس چرا به موسی علیه السلام این لقب را نمی‌دهید؟

نکته‌ای که از این روایت به دست می‌آید این است که یهودیان حاضر در مجلس به عزیر نسبت ابن الهی می‌دهند و قصد دارند که از آن عبارت، معنای مجازی را بگیرند، پس نسبت دادن این عقیده به یهودیان هم عصر، پیامبر کاملاً به جا و واقعی است.

استدلالی که یهودیان در این مناظره به کار برده‌اند، می‌تواند برای فهم موقعیت و منزلت عزیر در نزد یهود هم عصر پیامبر، مهم باشد. آنها گفتند: ما قائل به این الٰهی عزیر هستیم «لأنه احيى لبني اسرائيل التوراة بعد ما ذهب و لم يفعل بها هذا الا لانه ابنه»^۱.

همین حدیث که به صورت کامل‌تری در تفسیر البرهان آمده است با وانمود کردن سیره نیکوی پیامبر در مناظره به وجه احسن و رعایت اخلاق مناظره، روایت می‌کند که در پایان همه مناظرین (همه پنج گروه) مسلمان شدند. (بعد از شنیدن براهین حضرت)^۲ حدیث بالا به ما می‌فهماند که عزیر از این جهت که احیاگر تورات بوده است نزد ایشان منزلتی عظیم داشته است. نام عزیر در روایات دیگری هم آمده است مثلاً قطب‌الدین راوندی در دعوات و محدث نوری در مستدرک (به نقل از دعوات) از قول پیامبر اکرم نقل کرده‌اند که: «لوحى الله الى عزير، يا عزير! اذا وقعت فى معصية فلا تنظر الى صغرها ولكن انظر من عصيت و اذا اوتيت رزقاً منى فلا تنظر قلته ولكن انظر من اهداه...»^۳

در روایت دیگری در بحار، ایشان را هم عصر یحیی بن زکریا معرفی کرده است^۴ که قبل از دانیال و در زمان سلطه بخت نصر (بخت النصر) فرار کرد.^۵ در بحار در یک حرز که به نبی اکرم منتسب شده است آمده است: «... و أعينه بما استعاذ به آدم... و ذوالكفل و ذوالقرنین و طالوت و عزير و عزرائيل و الخضر و محمد اجمعين...»^۶، در جلد ۹۵ در یک روایت دیگر نام او در کنار نام انبیاء آمده.^۷ نام عزیر در اقبال و البلد الامین هم در کنار نام انبیاء آمده است^۸ و در الخرائج آمده

۱. علی ابن جمعه عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳ (بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۲۲)، ص ۱۰۰.

۲. هاشم بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۳ (بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۹)، ص ۳۹۶.

۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲ (قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸)، ص ۶۸ و نیز ج ۱۱، ص ۳۵۱.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۳ (بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴)، ص ۴۴۸.

۵. همان، ج ۱۴، ص ۱۷۹.

۶. همان، ج ۹۱، ص ۲۲۰.

۷. همان، ج ۹۵، ص ۲۸۴.

۸. علی بن طاووس حلّی، اقبال (طهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۷ش)، ص ۶۳۸؛ ابراهیم کفعمی، البلد الامین، (نسخه مرکز خدمات رایانه‌یی نور).

است که خدا، عزیر را ۲۰ سال نبوت داد.^۱ کمال الدین درباره وی می نویسد: «حتی مات (دانیال) و افضی الامر بعده الی عزیر فکانوا یجتمعون الیه و یأنسون به و یأخذون عنه معالم دینهم فغیب الله عنهم شخصه مائة عام ثم بعثه و غابت الحجج بعده و اشتدت البلوی علی بنی اسرائیل حتی ولد یحیی بن زکریا و ترعرع فظهر و له سبع سنین»^۲. در بحار به پیامبر نسبت داده شده است که عزیر مردی صالح بوده^۳، ولی به نقل از کشی در همین بحار آمده است: «که ان عزیراً جال فی صدره. ما قالت الیهود فمحمی اسمه من النبوة والله لو أن عیسی اقر بما قالت النصری لاورثه الله صمما الی یوم القیامة والله لو اقررت بما یقول فی اهل الکوفة لاخذتني الارض و ما انا الا عبد مملوک لا اقدر علی ضرشی و لا نفع»^۴.

به جز آیه ۳۰ سوره توبه که نام عزیر در آن به صراحت آمده است، آیه دیگری نیز در قرآن وجود دارد که برخی مفسرین آن را مربوط به عزیر می دانند. در آیه ۲۵۹ سوره بقره می خوانیم: «و کالتیری مر علی قریته وهی خاویة علی عروشها قال انی یحیی هذیه الله بعد موتها فاما الله میتة عام ثم بعثه قال کم لبت قال لبت یوماً او بعض یوم قال بل لبت میتة عام فانظر الی طعامک و شرابک کم یتسنن و انظر الی حمارک و لتجعلک آية للناس و انظر الی العظام کیف ُنشِرُها ثم تکسوها لحمًا فلما تبین له قال اعلم ان الله علی کل شیء قدير».

این آیه که بیانگر داستان مردی است که به طور شگفت آوری به مدت صد سال می میرد و بعد زنده می شود و زنده شدن الاغ خویش را هم با چشم خویش مشاهده می کند، توسط مفسرین به افراد مختلفی نسبت داده شده است به طوری که در طی چند روایت مشابه به نام های عزیر و ارمیاء برمی خوریم که هر دو قول به امام صادق و دیگران نسبت داده شده است.^۵ علامه مجلسی در این باره می گوید: «اختلاف قوم را در شناسایی کسی که صد سال مرده و بعد زنده شد دانستی که در آن مردد بودند که آن شخص عزیر است یا ارمیاء و روایات زبر هر دوی آن دو وارد است و شاید روایاتی که آن شخص را عزیر نامیده بر مبنای تقیه صادر شده باشد و یا اینکه در مقام

۱. قطب الدین راوندی، الخرائج، ج ۱ (قم: مؤسسه الإمام المهدی، ۱۴۰۹)، ص ۲۹۱.

۲. محمد بن علی بن بابویه صدوق، کمال الدین، ج ۱ (قم: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۹۵ق)، ص ۱۵۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۸، ص ۲۵۱.

۴. همان، ج ۲۵، ص ۲۹۴.

۵. تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۲۴؛ تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۵۴۸.

جواب اهل کتاب (مطابق اعتقاد خودشان) صادر شده باشد و شاید این واقعه برای هر دو اتفاق افتاده باشد هر چند آیه درباره یک نفر، صحبت می‌کند.^۱
از این کلام علامه مجلسی این گونه فهمیده می‌شود که در نظر ایشان، محتمل قرآن است که آن شخص ارمیاء باشد نه عزیر.

عزیر در احادیث اهل سنت

با نگاهی به تفسیر در المنثور در ذیل آیه ۳۰ توبه به احادیثی درباره‌ی عزیر برمی‌خوریم.^۲ اولین حدیث که از طریق ابن عباس روایت شده است عزیر را عالمی از عالمان بنی اسرائیل می‌داند که پس از اینکه قوم یهود به غیر حق عمل کردند و تورات را ضایع نمودند و خدا تورات را از یادشان برد و آنها را به مرض سختی دچار کرد، در اثر دعا و تضرع، تورات به یادش آمد و آن را برای مردم خواند و بعد از اینکه تابوت مقدس از پیش آنها رفته بود و خدا آن را به یهودیان باز گرداند، تورات که عزیر برایشان خوانده بود را با تورات اصلی درون تابوت مقایسه کردند و هیچ تفاوتی ندیدند و در نتیجه گفتند: «علت این است که عزیر پسر خداست».

مغاللات

عزیر از دیدگاه قرآن و عهدین

در حدیث دیگری، دنیا به صورت زنی مجسم می‌شود که بر قبر شوهرش ناله می‌کند: «چه کسی غذایم خواهم داد؟ چه کسی لباسم خواهد داد؟ و در این حال عزیر او را نصیحت می‌کند: «قبل از شوهرت چه کسی رزق تو را می‌داد؟» او می‌گوید: خدا. بعد زن او را نصیحت می‌کند که علما را قبل از بنی اسرائیل چه کسی علم می‌آموخت؟ او گفت: خدا. بعد زن به او گفت: پس چرا بر آنها گریه می‌کنی؟ (و به این صورت او را متوجه خدا کرد) و دستور غسل از فلان نهر را داد و بعد از غسل دو رکعت نماز خواند و بعد شیخی آمد و در دهانش چیزی گذاشت و عزیر پس از آن داناترین مردم به تورات گشت و تورات را بر مردم خواند و بعد مردم توراتی را که در کوه‌ها مخفی کرده بودند با تورات عزیر مقایسه کردند و آنها را مشابه یافتند و گفتند: این موهبت الهی فقط به علت آن است که تو پسر خدا هستی!

در حدیث دیگری هم به پیامبر نسبت می‌دهد که در نبوت عزیر شک دارد. (نعوذ بالله)
در حدیث دیگری عزیر را کاتبی می‌داند که با ده قلم در ده انگشت، می‌نوشت.

۱. بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۲۷۸.

۲. عبد الرحمن سیوطی، الدر المنثور، ج ۴ (بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴)، صص ۳-۱۷۱.

و در حدیث دیگری از رسول خدا نقل می‌کند که غضب خدا بر بنی اسرائیل هنگامی بالا گرفت که عزیر را پسر خدا دانستند.^۱

عزیر (عزرا) در کتاب مقدس

یکی از کتاب‌های موجود در عهد عتیق به نام عزرا است که دارای ده باب می‌باشد. در این کتاب، ابتدا به فرمان کوروش پادشاه ایران، مبنی بر ساختن معبد در اورشلیم می‌پردازد که تاریخ آن مربوط به سال اول پادشاهی او است، سپس به شرح تعداد افراد قوم بنی اسرائیل که در اسارت به سر می‌برند پرداخته و به شرح سفر آنها برای بازگشت به وطن و بنای خانه خدا در اورشلیم و حمل اشیای گرانبهای معبد که توسط بخت النصر از هیکل ربوده شده بود... می‌پردازد در باب چهارم دشمنان یهودا و بنیامین را به توطئه‌گری بر ضد سازندگان معبد معرفی می‌کند به طوری که با نوشتن نامه‌یی، بدگویی سازندگان را به پادشاه وقت ایران، (احشيو يروش) می‌کنند و در نهایت ساختمان هیکل به امر شاه متوقف می‌شود.

سال‌ها بعد و در عهد داریوش کار ساختمان با تأییدات وی پیگیری می‌شود که تفصیل آن در باب ششم آمده است و در باب هفتم آمده است که ارتخشستا پادشاه ایران، عزرا را که کاتب ماهر شریعت موسی بوده به اورشلیم اعزام می‌کند و در نامه‌یی بلند بالا ضمن اعلام پشتیبانی از عزرا و ارسال هدایا به همراه عزرا برای پیشکش خدمت اله، به عزرا فرمان می‌دهد که با توجه به حکمت الهی، قاضیانی برای مردم آن منطقه انتخاب کند و مردم را تعلیم دهد و هر کس که به شریعت خدا (خدای عزرا) عمل نکند و به شریعت پادشاه عمل نکند مجازات سختی شود (به سرعت باید کشته شود یا تبعید گردد و یا جریمه نقدی و یا حبس را تحمل نماید) و در پی این فرمان، عزرا بزرگانی از بنی اسرائیل را با خود به اورشلیم برد و پس از سه روز اقامت در اورشلیم، در روز چهارم طلاها و نقره‌ها را وزن کرد و برای خدای اسرائیل قربانی بسیار نمود.

در باب نهم آمده است که وقتی عزرا امور توزین و قربانی را انجام داد به او اطلاع داده شد که مردان قوم با زنان اقوام دیگر ازدواج کرده‌اند و نژاد یهود با نژادهای کنعانی و حتی وفرزی و عمونی و موآبی و مصری و غیره آمیخته شده است. به محض اطلاع، عزرا منقلب و سرافکننده شد و در پیشگاه خدا خجل گردید و این کار را گناه بزرگ نامید و آن را سبب ذلیل بودن قوم یهود دانست و پس از اعتراف و گریه و دعا به بنی اسرائیل امر کرد و از آنها عهد گرفت که از

زنان اقوام دیگر و فرزندان که از آن زنان به دست آورده بودند جدا شوند و آنها هم توبه‌کنان، این فرمان را اجابت کردند.

نام عزرا در کتاب نجمیا و در باب هشتم نیز آمده است که در آن ابتدا به جریان قرائت کلام رب توسط عزرا برای مردم می‌پردازد که همراه با تفسیر و تفهیم بوده است و سپس در روز بعد، عزرا کلام شریعت را برای بزرگان قوم و کهنه و... تبیین می‌کند.

در مجموع نام عزرا در کتاب مقدس به سه کس اطلاق می‌شود:

۱. کاهنی که از بابل به قدس بازگشت به همراه زربابل که در باب دوازدهم نجمیا از آن نام برده شده است.

۲. کاهنی معاصر با نجمیا که در آیه ۳۳ اصحاح دوازدهم نجمیا از او سخن به میان آمده است.

۳. کاهنی ملقب به کاتب که از طرف پادشاه ایران مأمور شده بود^۱ (البته هر سه نفر، در واقع یک نفر هستند).

مطابق کتاب قاموس الکتاب المقدس، عزرا مشاور پادشاه ایران در امور طائفه یهود بود که از ایام اسارت در بین النهرین مانده بودند و عزرا توانست نظر امپراطور را به بازگشت یهودیان به سرزمینشان جلب کند و تا اینکه بتوانند بر پایه قوانین یهودی اجتماعشان را تشکیل دهند. ولی البته از نظر سیاسی تحت نظر حکومت ایران باقی باشند.

از آنجا که عزرا و نجمیا همزمان با هم در قدس بوده‌اند می‌توانیم تاریخ بازگشت به قدس را حوالی ۴۵۷ ق م بدانیم، یعنی در زمان ارتحششای اول و یا در سال ۳۹۸ ق م یعنی در زمان ارتحششای دوم.

عزرا همراه جماعتی از یهود به قدس بازگشت و مقادیری مال و گنج و زیور آلات برای هیکل، به همراه داشت. شاید هم همزمانی عزرا و نجمیا مربوط باشد به سفری غیر از سفر اولش که در این صورت عزرا دو بار به قدس سفر کرده است. وی با اخلاص و نشاط به امر کاهنی قوم پرداخت و اعجاب یهودیان هم عصرش را برانگیخت و به محض بازگشت به قرائت و تفسیر تورات برای یهودیان پرداخت (به کمک لاویان) ضمن آنکه متون عبرانی را به آرامی ترجمه می‌کرد و یهودیان از او شریعتشان را قبول می‌کردند و به وی اعتماد داشتند و لذا یهودیان اعصار بعدی، وی را بعد از موسی، زعیم خود می‌دانند و وی را مؤسس نظم جدید یهودی قلمداد می‌کنند (تأسیس در قرن پنجم ق م).

مفاتیح

عزیر از دیدگاه قرآن و عهدین

۳۸۱

۱. الکتاب المقدس، کتاب عزرا.

وی اولین کاتب به این معنا شناخته می‌شود و کاتبان بعدی مجمع بزرگی (سنهدرین) که خود عزرا آن را تأسیس کرد را تشکیل دادند که همینک ربانی‌ها همان مقام کاتبان را در آن دوران دارند.

یهودیان معتقدند که او همان کسی است که فصول کتاب مقدس را جمع و تنظیم نمود و حروف چهارگوش آرامی را به فلسطین آورد (که به خط آشوری معروف است) که مقدمه‌ی خط عبرانی کنونی است. او در رأس گروهی از علمای یهود به تحقیق در اوضاع زناشویی یهودیان پرداخت تا کسانی که با زن غیر یهودی ازدواج کرده‌اند را شناسایی کند. وی یهودیان را متقاعد کرد که از همسران غیر یهودی خود و فرزندان آن همسران، جدا شوند.^۱

گذشته از متن اصلی عهد عتیق و ملحقات آن، اطلاعات بیشتری درباره شخصیت عزرا و خدماتش در کتب دیگر یافت می‌شود؛ کلا پرمن «در تاریخ قوم یهود»، می‌نویسد: «تلمود می‌گوید که اگر موسی تورات را به ملت اسرائیل نداده بود، عزرا برای انجام این وظیفه مقدس برگزیده می‌شد. این بدان جهت است که عزرا مردی بسیار مقدس بود و نیز چنان کار بزرگی را در بازگشت دادن یهودیان به ایمان نسبت به تورات انجام داده بود. عزرا مانند موسی به نسلی که رابطه خود را با خدا قطع کرده بود، تورات را تعلیم داد. او مجدداً تحصیل دانش توراتی را که موسی به مردم داده بود بین ایشان رایج نمود و شالوده‌ی محکم برای مقدس نگاه داشتن آن پی ریزی کرد. عزرا با عشق و ایمانی عظیم تورات را به مردم آموخت تا اینکه ایشان نه تنها آن را بدانند، بلکه آن را بپذیرند و با آن زندگی کنند. موسی تورات را برای نسلی آورد که تازه از مصر خارج شده بود و عزرا دانش تورات را به نسلی که تازه از اسارت بابل آزاد شده بود بازگردانید.^۲»

عزرا و نُحمیا

در مطالعه شخصیت عزرا به نام نُحمیا زیاد برمی‌خوریم و نُحمیا هم در کنار عزرا فعالیت می‌کرده است. در واقع نُحمیا بیشتر در امور سیاسی و آبادانی نقش داشته است و عزرا در امور دینی.^۳ عزرا را باید مؤسس حکومت کاهنان و آغازگر دوره جدید در تاریخ بنی اسرائیل به شمار آورد.^۴

۱. قاموس الكتاب المقدس (قاهره: دار الثقافة، بی تا)، ص ۶۲۱.

۲. ژیلبرت ویلی کلاپرمن، تاریخ قوم یهود، ج ۲، ترجمه مسعود همتی، به نقل از سلیمانی اردستانی، یهودیت، ص ۱۷۱.

۳. همان، ص ۳۱.

۴. همان.

محققان جدید و برخی از محققان قدیم برآنند که نویسنده‌ی اسفار پنج گانه تورات همین عزرا بوده است.^۱ عزرا و نحمیا انجمن سنهدرین را در سال ۴۴۵ ق م برای نخستین بار تشکیل دادند که متشکل از ۷۲ نفر از عالمان یهود بود. وظیفه این انجمن قضاوت در میان قوم و نیز مطالعه، تفسیر و تعلیم تورات بود. این انجمن در اورشلیم تشکیل می‌شد اما در شهرهای دیگر مجمع کوچک‌تری نیز شکل می‌گرفت که ۲۳ عضو داشت این مجامع کوچک‌تر به مسائل قانونی و دینی مردم می‌پرداختند و مسائل مشکل را به انجمن کبیر ارجاع می‌دادند.^۲

در کتاب نحمیا باب هشتم آمده است که: پس از تبعید بابلی، بنی اسرائیل از عزرای کاهن خواستند که تورات موسی را برای قوم خود بخواند. عزرا و دیگر کاهنان، کتاب تورات را هر روز برای مردم می‌خواندند تا اینکه در روز هفتم تورات به پایان رسید.

البته لازم به ذکر است که عده‌یی از محققین درباره اینکه آیا عزرا و نحمیا هم دوره بوده‌اند، تشکیک کرده‌اند^۳ در مجموع، عزرا به دلیل قرائت و تدوین متن تورات در زمانی که آن متن در دسترس مردم نبود، به عنوان مؤسس دوم یهود شناخته می‌شود. وی به جز تنظیم کتب قانونی عبری، به اختراع حروف چهارگوش عبری هم مشهور می‌باشد (آن حروف مقدمه‌یی برای تطور حروف عبری به شکل متداول و امروزی آن است).^۴

عزرا و دیگر کشیشان، با تبعید زنان غیر یهودی و فرزندان آنان از جامعه یهود، باعث ایجاد یک سیستم اخلاقی خاص در یهودیت شدند. وی همچنین برای پشتیبانی از ساخت هیکل، مالیات وضع نمود و از اقدامات دیگر او اعلام ممنوعیت رسمی کار در روز شنبه بود.

وحدت یهود که ناشی از قانون محور شدن آنها می‌باشد حاصل زحمات عزرا می‌باشد که به این سبب او را پایین‌تر از موسای ثانی به حساب نمی‌آورند.^۵

انتقادات علیه عزیر

در کنار همه احترام و اکرامی که نسبت به عزرا می‌شود، عده‌یی از نویسندگانی که درباره او مطلب نوشته‌اند، با دیدی انتقادی به اقدامات او نگریسته‌اند مثلاً دکتر ویل دورانت به طوری

۱. همان.

۲. همان، ص ۷ - ۳۵.

3. Encycbpedia of Americana, vol. 10, (1963), P. 688 (Ezra).

4. Encycbpedia of Britanica, vol. 7, (1974), P. 127 (Ezra).

۵. همان.

جدی تردید کرده است توراتی را که عزرا برای مردم خواند، همان کتابی باشد که در زمان یوشیا خوانده می‌شد. وی می‌نویسد:

«آیا آن (کتاب شریعت موسی) چه بوده است؟ این کتاب درست همان کتاب عهدی که یوشیا پیش از آن بر مردم خوانده بود نیست، چه در کتاب عهد تصریح شده است که آن را در مدت یک روز دو بار بر یهودیان فرو خواندند در حالی که خواندن کتاب دیگر محتاج یک هفته وقت تمام بوده است.»^۱

در میان مسلمانان هم عده‌یی درباره شخصیت و اقدامات عزرا انتقاداتی مطرح کرده‌اند. مثلاً احمد حجازی السقا می‌نویسد:

یهودیان سامری قائلند که تورات کنونی به دست عزرا نوشته شده است و او در آن دخل و تصرفاتی انجام داده است که علت آن سابقه دشمنی ساکنان مملکت اسرائیل [در برابر ساکنان مملکت یهودا] بود که اصرار داشتند ریاست یهود در دست آنها باشد و هیکل آنها در نابلس، قبله باشد و ساکنان مملکت یهودا که اصرار داشتند ریاست در آنها باشد و هیکل آنها در اورشلیم، قبله باشد. پس اهل اورشلیم، نصوص تورات را تغییر دادند و خط عبرانی را وضع کرده تورات را با آن نوشتند و در نزاعی که بر سر قبله بین آنها در گرفت، شاه بابل نظر سامری‌ها را پذیرفت و عبرانی‌ها را از بقای هیکل خود در اورشلیم، منع نمود و آنچه را در بیت المقدس ساخته بودند، نابود کرد. بدینسان دشمنی آنها بالا گرفت. عزرا و زوربیل به پا خواستند و خطی غیر از خط عبرانی برای آنها درست کردند و حروف را ۲۷ عدد قرار دادند و شریعت را با آن خط و با حذف و اضافات زیاد، نوشتند.

آن دو گروه، قبل از بازگشت به وطن، در جوی دوستانه، آن تورات را پذیرفتند و هر گروهی گمان می‌کرد که پس از بازگشت، ریاست از آن او خواهد بود؛ ولی هنگامی که به وطن خود بازگشتند با هم اختلاف پیدا کردند ولی آن تورات تحریف شده، همچنان نزد آنها باقی ماند.^۲

نویسنده مزبور، در ادامه، مدعی است که عزرا در تورات، مقام داود را پایین آورد و با تهمت اینکه جدش مرد صالحی نبوده است، او را لایق پادشاهی نمی‌داندست. حجازی، علت این کار عزیر را، تقویت موقعیت کاهنان می‌داند چرا که در آن دوران، مقام آنان که جامع ریاست دین و دنیا بودند، پایین آمده بود.

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۳، ج ۱، ترجمه احمد آرام و... (تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ش)، ص ۳۸۲.

۲. احمد حجازی السقا، نقد التوراة اسفار موسی الخمسة (بیروت: دار الجبل، ۱۴۱۶ق)، ص ۹۸.

او می‌نویسد:

عزرا مدعی شد که یهودا پسر یعقوب علیه السلام به زنی زنا کرد و از نسل او داود زاده شد و سپس در تورات نوشت که «زنا زاده، تا ده پشت در گروه خدا جای نمی‌گیرد». عزرا داود را به ارتباط نسلش با موآبیان نیز متهم کرد تا هم از طریق پدر و هم از طریق مادر، او را تحقیر کرده باشد و در تورات نوشت که عمونی‌ها و موآبی‌ها تا ده پشت در گروه خدا جای نمی‌گیرند... این در حالی بود که در تورات تصریح کرده بود که (کل امرء بما کسب رهین) یعنی: هر کس در گرو اعمال خویش می‌باشد).

این نویسنده مسلمان، درباره اینکه شخصی که آیه ۲۵۹ بقره از آن سخن می‌گوید (که صد سال مرده بود و بعد خدا او را زنده کرد)، درباره تطبیق او با عزرا، تشکیک می‌کند.^۲

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مطابق قرآن و روایات اسلامی، عزیر دارای احترامی فوق‌العاده در بین یهودیان به طوری که به وی، لقب «ابن الله» داده‌اند و عمده دلیل یهود برای این تکریم، زنده کردن تورات در میان بنی‌اسرائیل پس از خرابی بختنصر بوده است. (پادشاه جبار بابل، که یهودیان اورشلیم را از دم تیغ گذراند و آواره کرد و معبد را تخریب نمود) بوده است.

در منابع یهودی به نقش مهم عزرای کاهن (نام عبری عزیر) در بازسازی عقیدتی - اجتماعی یهودیان برمی‌خوریم به طوری که وی تحت چتر حمایتی پادشاه ایران توانست از بنی اسرائیل قومی منسجم و دارای اتحاد بر پایه عقیده و قومیت بسازد به گونه‌ای که این قومیت مشترک یهودی که همینک در بین یهودیان جهان، با فرهنگ‌های مختلف وجود دارد، مرهون تلاش‌های این فرد است و به این جهت است که وی را به عنوان موسای ثانی، مورد احترام قرار می‌دهند. وی عهده‌دار خدمات دیگری مانند ابداع رسم الخط، نظام دهی به امور کاهنان و برخی اصلاحات اجتماعی هم بوده است.

آنچه درباره عزیر در منابع اسلامی به چشم می‌خورد حول سه موضوع است:

الف) نفی ابن الله بودن او؛

ب) اکرام او به عنوان یک مرد صالح یا پیامبر؛

ج) نسبت دادن شأن نزول آیه ۲۵۹ بقره به او.

۱. همان.

۲. همان.

در ادامه مباحث به پاره‌یی از انتقادات علیه عزرا پرداخته شده مانند تحریف تورات و تحریف دین یهود و تمایلات متعصبانه قومیتی.

نگارنده، با توجه به اکرامی که در روایات اسلامی نسبت به عزیر شده است و نیز احتمال بالایی که این عزیر همان عزرای یهودیان باشد، دلایل منتقدان را کافی ندانسته و او را از اتهامات مطرح شده مبری می‌داند، هر چند معتقد است که نقل تورات توسط یک راوی واحد، بر حجیت و سندیت این کتاب لطمه وارد می‌کند. به نظر نگارنده، تحقیقات عمیق‌تر و گسترده‌تر تطبیقی برای شناخت این انسان تأثیر گذار، می‌تواند افق‌های بیشتری را درباره او روشن نماید.

W 4 40